

سعید خلیلی وکیل دادگستری:

لیست رایابید نهادهای حقوق بشری تهیه کنند

منصوره محمدی، گروه سیاست:
سعید خلیلی، حقوقدان و از وکلای زندانیان سیاسی می‌گوید عده‌ای از فعالان حقوق بشری اسامی زندانیان سیاسی را برای رئیس قوه قضائیه ارسال کردند. او در گفت‌وگو با هم‌مهین توضیحاتی را درباره ابهامات قانونی جرم سیاسی وزندانی سیاسی ارائه داده است که در ادامه می‌خوانید.

✚پس از جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل، درخواست‌های بسیاری برای آزادی زندانیان سیاسی مطرح شد، اما در روزهای گذشته اظهارنظرهایی مبنی براینکه اسامی زیادی ارائه نشده به میان آمد. آیا اسامی آنها به دست مقامات نرسیده‌است؟

تا جایی که در جریان هستیم، عده‌ای از فعالان حقوق بشری پیش قدم شدندواسامی زندانیان سیاسی را لیست کردندوبرای رئیس قوه قضائیه ارسال کرده‌اند.

✚اما درباره مفهوم زندانی سیاسی اختلافنظر وجود دارد. چه کسانی زندانی سیاسی اطلاق می‌شوند؟

اینکه زندانی سیاسی چه کسی است و به چه کسی اطلاق می‌شود، این یک نوع اعتراف از سوی رئیس قوه قضائیه است که زندانی سیاسی داریم، چراکه تاکنون در این باره انکار می‌کردند.
اقرار به اینکه بخشی از کسانی که محکومان دادگاه‌های امنیتی هستندزندانی سیاسی هستند و از سوی قوه قضائیه پذیرفته می‌شود و در فکر آزادکردن آنها هستند، حال آنکه تاکنون سعی در انکار وجود زندانیان سیاسی در ایران بود یک نوع پیشرفت است.
درخواست آزادی زندانیان سیاسی که در جریان جنگ دوازده‌روزه از کشور دفاع کردند و رسیدگی به این درخواست بسیار مثبت است، اما لیست کسانی که باید آزادشوندباید از سوی نهادهای حقوق بشری تهیه‌شده‌نه نهادهای سیاسی، چراکه نهادهای سیاسی انگ سیاسی می‌گیرندوباره آنها تنش‌های سیاسی و جناحی مطرح است، اما نهادهای حقوق بشری ورای مباحث سیاسی کار می‌کنند و به راحتی می‌توانند براساس معیارهای حقوق بشری اسامی کسانی را که زندانی سیاسی هستند معرفی کنند.
من معتقدم تمام محکومین دادگاه‌های انقلاب در خصوص اتهامات تبلیغ علیه‌نظام، نشر اکاذیب و اجتماع و تبانی از مصادیق روشن جرم سیاسی هستند.

✚قوانین فعلی که درباره جرم سیاسی و زندانی سیاسی در ایران وجود دارد چه ایراداتی دارد؟
زمانی که لایحه جرم سیاسی در حال بررسی بود، یک نظرسنجی انجام شد و جمعی از دوستان مقاله‌ای نوشتند و در آن تاکید کردند که نباید جرم‌زایی کنیم و یکسری افعال و رفتارهایی که اساساً جرم نیست را به عنوان جرم فرض کنیم و اسم سیاسی روی آن بگذاریم.
از بین جرائمی که الان در قوانین قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین وجود دارد، بخشی از آنها وصف سیاسی بگیرند.
بنابراین تمام راهی که این دوستان طی کردند و جرم‌زایی کردند و برخی افعال را به عنوان جرم سیاسی از نونوشتند، اساساً یک کار اشتباه بوده است.
از سوی دیگر آنقدر دایره را تنگ کردند که عملاً برای یک مورد خاص به عنوان جرم سیاسی یک دادگاه نمایشی برگزار کردند و بقیه دادگاه‌ها را نیز برگزار نکردند.
اساساً مشکل اصلی در کشور این است که زمامدارهای ما نمی‌پذیرند نهادی به نام دادگاه مستقل با هیئت منصفه مستقل که منتخب مردم باشد و نه منتخب حکومت ایفای نقش کنند و برای جرایم سیاسی عده‌ای که متهم سیاسی هستند نظر بدهند و مشخص کنند آیا جرمی مرتکب شده‌اند یا خیر.
این یک پسرقت بزرگ است که به‌رغم آنکه قانون اساسی جرم سیاسی را به رسمیت شناخته است، اما اگر هم می‌خواهند جرم سیاسی داشته باشند موارد زائدی را به قانون مجازات اسلامی اضافه می‌کنندوبه آن اطلاق جرم سیاسی می‌دهند در حالی که منظور قانون‌گذار این نبوده است و در خیلی از کشورهای پیشرفته اینگونه نیست.

✚برای اینکه این‌خلاف‌های قانونی برطرف شودباید چه اقدامی انجام شود؟
در مقطع فعلی وبا توجه به اتفاقاتی که بعد از جنگ دوازده روزه رخ داد و روشن شد بسیاری از کسانی که متهم به جرائمی از قبیل اجتماع و تبانی، تبلیغ علیه‌نظام و توهین هستند، به وطن خود، کشور و مردم این کشور وفادار هستند و آشتی ملی را برقرار کرد.
بنابراین می‌شود در مورد این موضوعات مجدداً بحث کرد و به گونه‌ای اشتباهات گذشته را جبران کرد.



نگاه هم‌مهین

پاسخی به درخواست رئیس قوهٔ قضائیه

از دانستن یا توانستن



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌مهین

ریاست قوهٔ قضائیه از عموم اصحاب رسانه درخواست کرده است که «حداقل ۵ نقد جدی را که به قوه قضائیه وارد می‌دانند، ترجیحاً با ذکر راه حل، به مرکز رسانه قوهٔ قضائیه ارائه کنند.» به نظر من آنچه ما شهروندان از مشکلات و گرفتاری‌های شخصی و عمومی مرتبط با سازوکار و عملکرد دستگاه قضا می‌دانیم رئیس قوه ددها برابرش را می‌داند!

بنا به تجربهٔ شخصی من، آن دسته از مدیرانی که به‌طور مستقیم دستی در کار اجرایی و یا ارباب رجوع سرو کار دارند، نه‌فقط نسبت به آفات، مشکلات، آسیب‌ها، معایب و تنگناهای حوزهٔ تحت مسئولیت خود آگاهند بلکه اطلاعات‌شان در این زمینه قابل قیاس با شهروندان درگیر در این نوع مشکلات نیست. گاه پیش آمده است که با زحمت، با مسئولی ارتباط گرفته‌ام تا معضلی در حوزهٔ کارش را به او گوشزد کنم، اما پس از شنیدن حرف‌های او متوجه شده‌ام که او خودش دل پردردتری دارد و دانسته‌های من از معضلات، یک‌دهم او هم نیست! در این باره، خاطره‌ای از مرحوم سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی در برخی محافل سیاسی

آزادی زندانیان در انتظار لیست؟

بررسی اظهارات اخیر رئیس قوه قضاییه درباره محکومان سیاسی



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

در روزهای اخیر فیلمی از سخنان الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت و بخشی از سخنرانی غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه منتشر شد که به موضوع زندانیان سیاسی و تلاش‌ها برای آزادی آنها به‌ویژه در روزهای پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با ایران پرداخته‌اند. در سخنان حضرتی در دیدار رئیس قوه قضائیه با اصحاب رسانه آمده است: «از تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران و روزشنفکران تقاضا کردم که اسامی زندانیان سیاسی را در اختیارم قرار دهند که تنها سه نفر به بنده معرفی شد و در نهایت من با اضافه کردن دو نفر دیگر، یک لیست ۵ نفره را به محضر رئیس قوه قضائیه تقدیم کردم.» و در ادامه هم رئیس قوه قضائیه در این زمینه توضیح می‌دهد: «چند روز پس از پایان جنگ تحمیلی اخیر، تعدادی از جریانات سیاسی و رسانه‌ای از طرق مختلف به من اعلام کردند که در راستای تحکیم وفاق و انسجام اجتماعی، آنچه که از آن به عنوان زندانیان سیاسی نام می‌برند را آزاد کنید؛ من به‌هیچ‌وجه به در خواست آنها بی‌اعتنایی نکردم و با پاسخ منفی به آنها ندادم؛ بلکه گفتم فهرست زندانیان مدنظر را اعلام کنید تا ما در مورد آنها به بررسی و مذاقه بپردازیم؛ نکته قابل تأمل آنکه تا کنون هیچ کدام از آن جریانات در خواست کننده، به من فهرستی ارائه ندادند

و برخی از آنها وقتی با مطالبه من مواجه شدند، گفتند که ما برای ارائه فهرست زندانیان سیاسی، ملاحظاتی داریم! در خلال جلسه امروز نیز دوتن از آقایان (از نیروهای محوری جبهه اصلاحات) اشاره کردند که خودشان هر چه تأمل و جمع‌بندی کردند به بیش از ۳ الی ۵ نفر زندانی سیاسی نرسیدند؛ خوب، تاکید من به این آقایان آن است که چرا به‌صورت علنی این موضوع را اعلام نمی‌کنید؟! این همه هیاهو و غوغا سارای علیه نظام ما می‌شود که فلان تعداد زندانی سیاسی دارد؛ خوب اعلام کنید که خودتان بررسی کردید تعداد زندانیان سیاسی ما به ۵ نفر نمی‌رسد تا تبلیغات سوء معاندین خنثی شود و رنگ بپازد.»

▼ الیاس حضرتی و ۳ زندانی سیاسی

درباره فیلم منتشرشده از سخنان حضرتی که لحن همراه با خنده(نگویم تمسخر) به اسامی سه نفر در آن مشهود است. ابتدا باید گفت که حتی اگر واقعاً ۳ نفر باشند هم تلاش برای آزادی‌شان و پیگیری وضعیت‌شان قابل احترام و توجه است. پس از آن ایشان از پیگیری موضوع از روزنامه‌نگاران و روزشنفکران گفته‌اند؛ واقعاً به عنوان یک روزنامه‌نگار و فعال در رسانه نمی‌دانیم ایشان به کدام روزنامه‌نگاران و کدام روزشنفکران کار را سپرده چون همین الان به‌ویژه در همین یک هفته گذشته که موضوع انتقال زندانیان سیاسی از «تهران بزرگ» به «زندان لوین» مطرح شد، حداقل بر اساس اطلاعات رسانه‌ای نام ۶ تا ۸ نفر قابل ذکر است و متاسفیم که این دوستان همکار ما و همکار ایشان در رسانه‌ها اگر حضور ذهن داشتند تلاشی هم برای جست‌وجو

آزادی حق ابراز خویشتن و تعریف جرم سیاسی

سیاسی و سیاستی است که می‌توانند جزئی یا کلی باشند و همه اینها، به واسطه حق بشری ابراز خویش و بیان انجام می‌شود.
کشگر در این فرایندی که برای تأثیر در سیاست و سیاست‌گذاری انجام می‌دهد، ممکن است کارهایی کند که براساس قوانین جاری تخلف یا جرم باشد. مثلاً ممکن است که تجمع غیرقانونی انجام دهد (مثل تجمع دانشجویان شیکاگو علیه جنگ ویتنام که یکی از مبادی عنوان جرم سیاسی بود) یا عبارتی به کار ببرد که توهین به یکی از مقامات کشور باشد. یا حتی با سرپیچی مدنی تغییر قانونی را خواستار باشد. تا زمانی که این کنش‌ها مسالمت‌آمیز هستند این افعال خلاف قانون می‌توانند جرم سیاسی نام بگیرند.
در ایران نیز از سال ۹۵، قانونی وضع شد که می‌خواست جرم سیاسی را تعریف کند. در آن قانون بیان می‌شود که اگر یک فرد با انگیزه اصلاح امور کشور، علیه مدیریت و نهادهای سیاسی و سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور، جرمی را مرتکب شود، بدون اینکه قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب می‌شود. اولین سوالی که پیش می‌آید این است که اصل نظام چیست؟ آیا منظور جمهوری اسلامی بوده یا نظامات کشور منظور مقنن است؟ فارغ از این نکته، قانون یکسری مصادیق جرم سیاسی را مطرح می‌کند و می‌گوید توهین و افترا به رئیس‌های سه‌قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنها، در نظام‌های مرفقی حقوقی (از

مدیری نمی‌دهد، همین که مدبری بخواهد گامی در جهت اصلاح و تغییر و تحول بردارد، همه آنها که از اصلاح زبان می‌بینند و یا آن را با نظام ذهنی خود سازگار نمی‌یابند صدای فریادشان چنان به هفت آسمان بلند می‌شود و اتهام پشت اتهام و تهدید پشت تهدید پیش می‌آید که طرف در همان گام نخست، برکنار یا مجبور به کناره‌گیری می‌شود و یا با خود می‌گوید چرا باید سری را که درد نمی‌کند، دستمال ببندد و خود را با شاخ گاو درآویزد و زندگی شخصی و خانوادگی اش را قربانی کند؟ شرط عافیت آن است که سر به زیر اندازد و از امکانات معمول مدیریتی بهره ببرد و با روال روبه زوال همراهی کند و در صورت اقتضا، غرو لندی سیاسی هم ضمیمه آن کند تا به محافظه‌کاری مطلق متهم نشود!

مشکل کشور مادر در حوزه مدیریت دقیقاً همین است. هر مدبری بر دست و پای خود هزاران غل و زنجیر می‌بیند و امکان حرکت به سمت اصلاح پیدا نمی‌کند. هر پیشنهاد اصلاحی که به او بشود، موانع پیش روی خود را چنان ردیف می‌کند که دل طرف از شنیدنش ریش می‌شود! بدبختانه حتی تصویب قوانین مفید هم به دلیل تداخل با انبوه قوانین و مقررات موازی و متضاد هیچ اثر عملی ندارد. در سال ۱۳۸۲ رئیس وقت قوه قضائیه لایحه‌ای تحت عنوان «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به مجلس ششم فرستاد که بلافاصله و بدون کمترین تغییری مورد تصویب مجلس قرار گرفت و شورای نگهبان هم در ۱۵ اردیبهشت همان سال آن را تأیید و ابلاغ کرد. این قانون برای رعایت حقوق متهم بسیار ارزشمند است. برای نمونه در بند ۶ آن آمده است: «در جریان دستگیری و بازجویی با استطلاع و تحقیق، از اِیضای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.» در بند ۷ تأکید شده است: «بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.» آیا این قانون اجرا می‌شود؟ به‌والله که من متقally از اجرای آن را در بازداشتگاه سال ۸۸ تجربه

در سطح فعالیت خودشان (رسانه) انجام ندادند که فقط نام ۳ نفر را به ایشان رساندند. همچنین فارغ از نام‌هایی که بیش از این میزان است و نه ذهن اغلب روزنامه‌نگاران وجود دارد همین حالا بر اساس آنچه در رسانه‌ها هست لیستی مفصل می‌توان ارائه داد.
درباره گروه دومی که حضرتی از آنها خواسته به موضوع بپردازند؛ یعنی روشنفکران هم دقیقاً نمی‌دانیم چرا باید چنین خواسته‌ای مطالبه می‌شد مگر اینکه فعالان حقوق بشر را پیگیران حقوق زندانیان سیاسی می‌پویند که اگر چنین باشد حداقل پیگیری آنچه آنها به زبان می‌آورند، تعداد اسامی که به زبان می‌آورند حتی بیشتر از آن است که در رسانه‌ها و فضای مجازی و... مطرح است. بر همین اساس می‌شود از ایشان به عنوان شخص دغدغه‌مند در این زمینه و رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت که طبیعتاً امکاناتی در اختیار دارد بخواهیم که تیمی برای جمع‌آوری این اطلاعات از وکلا و فعالان حقوق زندانیان سیاسی جمع‌کننده اینک‌ه از روزنامه‌نگار و روشنفکر برای این کار استفاده کند.

▼ رئیس قوه قضائیه و زندانیان سیاسی

درباره سخنان رئیس قوه قضائیه هم چند موضوع قابل توجه وجود دارد: اول، اینکه «عده‌ای از همان روزهای شروع جنگ و پس از آتش‌پس خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند»، موضوعی که البته خیلی از فعالان سیاسی و روزنامه‌های پیگیر وضعیت زندانیان سیاسی طی همه سال‌های اخیر برای ایجاد آشتی ملی، وفاق، کاهش شکاف مردم- حکومت چنین خواسته‌ای را مطرح کرده بودند و در پی این حوادث هم به شکل اولی پیگیر این موضوع شدند تا جایی که حتی پیشنهادهایی در این زمینه داده شد و حتی این موضوع در کنار جذب نخبگان ایرانی خارج از کشور که وطن‌دوستانه در کنار مردم ایران ایستادند با رویکردهایی مانند «اعلام عفو عمومی برای فعالان سیاسی پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷» (پیشنهاد بر خ‌ی چهره‌های داخلی اصلاح‌طلب و اصولگرا و چهره‌های خارج از کشور مانند اکبر گنجی)» به میان آمد. باید توجه داشت که این موضوع در راستای افزایش وفاق و کاهش نارضایتی‌ها همیشه قابل اهمیت و توجه است. دوم، محسنی اژه‌ای در ادامه می‌گوید: «(به جریانات سیاسی و رسانه‌ای)

جمله فرانسه) به‌صورت جدی درباره این موضوع بحث شده است، آن‌ها معتقدند مثلاً اگر کسی به رئیس جمهوری توهین کند، شخص آن رئیس جمهور مراد آن فرد نیست (ولو توهین کاملاً شخصی باشد)، اگر توهینی می‌شود به‌خاطر جایگاه فرد است و آن جایگاه طرف پت توهین‌پذیری را برای فرد ایجاد کرده است. به همین علت است که رسیدگی به این توهین با رسیدگی به توهین به یک فرد معمولی متفاوت بوده و از علل تقلیل مجازات است (نه تشدید آن). این قانون تا حدی این مسئله را به صورت محدودی پذیرفته است. در بند بعدی توهین به رئیس و یا نماینده سیاسی کشور خارجی آمده است که در قلمرو جمهوری اسلامی صورت گرفته باشد. پس از آن، جرائم حزبی و انجمن‌هاست. مورد آخر نیز، جرائم در خصوص انتخابات و نشر اکاذیب با هدف سیاسی قرار دارد.

همه اینها، عموماً درباره این صحبت کرده‌اند که هیچ‌گونه از موارد در قانون ما، اقدام عملی را ذیل جرم سیاسی ندانسته و در نتیجه، هر اقدام عملی را ماهیت امنیتی می‌دهد. البته تجمعات و مواردی از این دست، یک پشتوانه‌ای در قانون اساسی دارد، اما چیزی که از دل آن بیرون می‌آید و نمایش داده می‌شود، به نظر می‌رسد آن را هم اگر با اهداف اصلاح فرآیندها و روندها باشد، می‌توانیم ذیل مسئله جرم سیاسی قرار دهیم. اینجا باید یک چیز را در نظر گرفت و آن این است که این مواردی را که بیان کردیم، در صورتی موضوعیت پیدا می‌کند که شکای خصوصی وجود داشته باشد. اینکه دادستان متسقیم در همه این موارد اعلام جرم کند، می‌تواند زمینه‌های انسداد فضای جامعه را به وجود بیاورد. نکته دیگر، در خصوص ویژگی‌های افرادی است که جرم سیاسی انجام می‌دهند و بازداشت می‌شوند. چه در فرآیند رسیدگی و چه در فرآیند سپری کردن مجازات‌ها، از نکات مهم است. از نظر قانون خود ما هم، امتیازاتی برای افرادی که جرم سیاسی مرتکب شده و محکوم شده‌اند، قرار داده شده است. مثلاً اینکه محل نگهداری آنها چه در زمان بازداشت و چه در زمان حبس باید مجزا باشد. پوشاندن لباس